

حرم زین العابدین

که شکسته می شوید

حسن ابراهیم زاده

«حسین (علیه السلام) به اصحابش گفت: برخیزید و سوار شوید، سوار شدند و صبر کردند تا آن‌ها سوار شدند و به اصحابش گفت: برگردید. چون خواستند برگردند، حر مانع شد. حسین (علیه السلام) به حر گفت: مادرت به عزایت یگرید، چه می خواهی؟ حر گفت: اگر دیگری از عرب چنین می گفت و مانند تو گرفتار بود، از جوابش نمی گذشتم هرکه بود، ولی من نمی توانم جز نیکی نام مادر تو را ببرم»^(۱)

بسیاری از بزرگان بر این باورند که همین نکته در زندگی حر و حریم نگه داشتن حرم بی بی فاطمه ی زهرا (علیه السلام)، به حر توفیق توبه داد تا قبر او زیارت گه همه ی آزاد مردان دنیا شود.

همین نکته نیز در زندگی حاج طیب رضایی دیده می شود، حاج طیب با دار و دسته ی خود به صف مقلدان و مریدان امام پیوست و مسؤولیت حفاظت از دسته های عزاداری که شعار امام و اسلام را سر می دادند برعهده گرفت، طیب پس از دستگیری زیر شدیدترین شکنجه ها حاضر نشد جمله ی دیکته شده ی ساواک، مبنی بر پول گرفتن از یاران امام برزبان آورد. وی در پاسخ رئیس ساواک که به او گفت: تو دیگر چرا؟ چنین برزبان آورد: اینجا جای دفاع از دین بود. بسیاری بر این باورند که آنچه موجب بازگشت طیب به فطرت خدا محوری و ولایت پذیری شد، حریم نگه داشتن و چشم امید به حرم فاطمه الزهرا (علیه السلام) بوده است. نقل می کنند که: درایام جوانی روزی طیب از خیابانی می گذشت، سیدی را دید که با خانواده ی خود و با وسایل اندک خانه در کنار خیابان نشسته بود. طیب حال او را می پرسد و آن سید در جواب نداشتن مسکن و بیرون شدن از منزل استیجاری به خاطر نداشتن اجاره ی خانه را دلیل آوارگی خود و خانواده اش بیان می کند. طیب اسباب و اثاثیه را بار ماشینی می کند و به خانه ای می برد و به او می گوید فردا به محضر بیا. هنگامی که خانه ی خود را به اسم سید می کند و سند آن را به او تحویل می دهد، یک جمله بر زبان می آورد «به مادرت زهرا بگو مرا دریابد». طیب حر نهضت خمینی می شود و بر تیرک اعدام سینه ی خود را نشان گلوله های داغ دژخیمان رژیم پهلوی می کند و جاودانه ی مکتب زهرا (علیه السلام) می شود. تاریخ را باردیگر به عقب می کشیم، عقربه ساعت ۴ بامداد ۲۷ دی ۱۳۳۴ مطابق با سوم جمادی الثانی ۱۳۷۵ و روز شهادت زهرا (علیه السلام) اطهر، سید مجتبی نواب صفوی، سید محمد واحدی، خلیل طهماسبی و مظفر ذوالقدر با فریاد تکبیر و تلاوت قرآن به خون خود می غلطند اما در این روز شهادت حضرت زهرا (علیه السلام) تیرکی برای سید عبدالحسین به چشم نمی خورد.

هنگامی که در جریان بازجویی از عبدالحسین واحدی، سپهبد بختیار به نام حضرت زهرا (علیه السلام) جسارت می کند، این فرزند حضرت زهرا (علیه السلام) بر می آشوبد و به طرف بختیار حمله می کند و بختیار با سه گلوله، مدافع حرم و حریم زهرا (علیه السلام) را به شهادت می رساند تا او قبل از یاران دیگرش به سوی مادرش زهرا (علیه السلام) هجرت کند. شاه که بختیار را رقیب قدرت خود می دانست، چندی بعد او را در عراق و توسط عوامل ساواک ترور می کند. و بختیار توسط دوستان دوستان سابق خود به سزای هتاک می رسد. حضرت زهرا (علیه السلام) می رسد. تاریخ گواه این مدعاست هرکس حرم و حریم اهل بیت (علیه السلام) خصوصاً نام مقدس حضرت زهرا (علیه السلام) را نگه داشته است، به عزت دنیا و آخرت رسیده است و هرکس حریم حضرت زهرا (علیه السلام) را شکسته است ذلیلانه به مرگ تن در داده است. به راستی آنانی که با سیاست ها، شعارها و تصویب قوانینی اجازه می دهند که حریم فاطمه (علیه السلام) و پدر، فرزندان و مکتب فاطمه (علیه السلام) در عرصه ی قلم و مجله، سخنرانی و فیلم شکسته شود، خداوند با آنان چه معامله ای می کند؟ پانوش:

۱. در کربلا چه گذشت، ترجمه ی نفس المهموم، شیخ عباس قمی، ص ۲۳۴

